

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی کلمه مقالید در تفاسیر روایی شیعه

چکیده

کلمه مقالید دو بار در قرآن آمده است. در اغلب تفاسیر این لغت کلید معنا شده (لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ)، کلید داری رمز مالکیت و اختیار تام بر چیزی است و کلید دار بودن خدا بر آسمان ها و زمین کنایه از حاکمیت مطلق خداوند به ظاهر باطن و اندوخته های آن است. خداوند در قرآن به تصریح بیان می کند که برکات آسمان ها و زمین را بر تقوی پیشگان می گشاییم و قفل خزائن و برکات تکذیب آیات الهی و تکبر در پذیرش آن ها است.

بنابراین کسانی که به خدا کفر ورزیده و او را در امر ربوبیت یگانه نمی شمارند و از او یاری نمی جویند از زیانکاران هستند. پس باید حاجت هایتان را از او بخواهید و دفع هر شری را از او بطلبید . برای همین فرمود : خدا برای هر کس که بخواهد بسط روزی می دهد و برای هر کس بخواهد تنگ و محدود می کند . پس اگر خواهان گشایش برکات هستید؛ تقوا پیشه کنید و چشم نیاز تنها به خدا بدوزید که او به هر کاری عالم و آگاه است.

در این پژوهش به شیوه ی نقلی - توصیفی، با استعانت از کلام وحی و بررسی تفاسیر روایی شیعه، به بررسی و کاربرد کلمه مقالید پرداخته ایم و نیز کوشش می شود توجه جامعه اسلامی را به تقوی الهی و لزوم تمسک به خدا جلب کرد.

واژه گان کلیدی : مقالید، خزائن، آسمان، زمین

مقدمه

در قرآن کریم خداوند مالک و وکیل همه ی موجودات و مدبر امور آنها است و بیان شده که

خزائن و برکات آسمانها و زمین نزد اوست. هستی موجودات، رزق آنها، عمر واجلشان همه از آن خزائن نشأت می گیرد. برای بهره مندی از این خزائن ناگزیر باید کلیدهای آن را شناخت و راه های دستیابی به آن ها را دانست.

در آیه ی ۶۳ از سوره ی زمر و ۱۲ سوره ی شوری از کلید های آسمان (مقالید) یاد شده است. این آیات بیان می کند که تقوای الهی تنها وسیله ی نیل به این کلید ها و گشودن درهای آسمان ها است. در مقابل قفل آسمانها، تکذیب آیات الهی و تکبر در پذیرش آنها است و کسانی که به خداوند کفر ورزیده و او را در امر ربوبیت یگانه نمی شمارند و از او یاری نمی جویند، از زیانکاران خواهند بود.

با وجود تصریح در آیات قرآن کریم به کلید داری و اختیار تام خداوند برعالم، مشاهده می شود که افراد جهت رفع مشکلات خود به غیر خدا متوسل می شوند و به بیراهه می روند؛ این امر موجب فاصله گرفتن از خداوند و عدم نتیجه گیری در امور زندگی می شود. در این پژوهش بعد از شناخت مفهوم مقالید، به بررسی آن در قرآن و تفاسیر روایی شیعی می پردازیم.

اطلاعات جمع آوری شده در این نوشتار به روش کتابخانه ای و شیوه استفاده شده در آن نقلی-توصیفی می باشد.

مفهوم شناسی

مقالید به گفته غالب ارباب لغت، جمع مقلید و معرب اکلیل است، (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۳۲۷) هر چند زمخشری در «کشاف» می گوید: «این کلمه مفردی از جنس خود ندارد و آن از «کلید» فارسی گرفته شده است و در عربی نیز به همین معنی استعمال می شود.

این تعبیر به معنای «مفتاح» معمولاً کنایه از مالکیت و یا سلطه بر چیزی دارد، بنابر این «مَقَالِدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» به معنای کلید های آسمان و زمین است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۸۲)

وقتی بیان می شود کلید این این کار به دست من است، یعنی راه و برنامه و شرایط پیروزی آن همه در اختیار من است. (مکارم شیرازی، ج ۲۰، ص ۳۶۸)

کلید های آسمان ها و زمین کدامند؟

آیه های ۶۳ سوره ی مبارکه زمر و آیه ی ۱۲ سوره ی مبارکه شوری با عبارت «لَهُ مَقَالِدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» از باب مالکیت خدا بر عالم می گوید: کلید های آسمان ها و زمین از آن اوست. کلید داری رمز مالکیت و اختیار تام بر چیزی است و کلید دار بودن خدا بر آسمان ها و زمین کنایه از حاکمیت مطلق خداوند به ظاهر باطن و اندوخته های آن است. (بهرام پور، ۱۳۹۱، ص ۴۶۵/ص ۴۸۴)

هم چنان که در جای دیگر فرموده: «وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (منافقون/آیه ۷) و خزاین آسمانها و زمین، عبارت است از: غیبت آنها که اشیاء و نیز نظام اشیاء از آن غیب درآمده، ظهور پیدا می کنند، و به عالم شهود منتقل می شوند. هم چنان که باز در این باره فرموده: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر/۱۵، ۲۱)

و مالک کلیدهای آسمانها و زمین بودن، کنایه است از اینکه مالک آن خزینه هایی است که هستی موجودات و ارزاقشان و عمرها و اجل هایشان و سایر چیزهایی که از آغاز پیدایش تا وقتی که به خدا باز می گردند و در مسیر هستی به آنها مواجه می شوند از آنجا است.

و این جمله یعنی جمله "له مقالید..." در مقام تعلیل جمله «وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (زمر/۳۹، ۶۳) است، و به همین جهت واو عاطفه بین آن دو نیآورده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۳۹)

نظر مفسران درباره کلیدهای آسمان گوناگون است:

۱. کلیدهای خزینه‌های آسمان مقصود است. (طبری، ۱۴۱۳، ج ۲۴، ص ۳۰)

۲. کلید ارزاق آسمان و زمین و اسباب رزق چون باران است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۷)

۳. طاعت آن‌ها مقصود است و معنای آیه چنین می‌شود:

اطاعت هر آن‌که در آسمان‌ها و زمین‌ها وجود دارد برای خدا است. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۵، ص ۱۷۹)

۴. مراد از کلیدهای آسمان‌ها و زمین، کلیدهای خزائن و غیب آن‌ها است که تمام اشیاء و نظام جاری در آن‌ها از آن‌جا ظهور کرده، به عالم شهادت می‌آیند و مالکیت کلیدها کنایه از مالکیت این خزائن است که از جمله آن‌ها وجود اشیا و روزی‌ها و عمرهای آنان و هر آن‌چه از ابتدای وجود تا هنگام رجوع به پروردگار با آن مواجه هستند، به شمار می‌رود. (تفسیر جامع، ج ۶، ص ۹۳) (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۹۸) (کاشانی، ج ۸، ص ۱۱۵)

جایگاه رزق و روزی در آسمان

آیات فراوانی گویای این است که رزق و روزی شما در آسمان است: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ». (ذاریات / ۵۱، ۲۲)

در آیه دیگر می‌فرماید: چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ «... وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ». (نمل / ۲۷، ۶۴) و در جای دیگر می‌فرماید: آیا جز خداوند کسی هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ «هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...». (فاطر / ۳۵، ۳)

به گفته بسیاری از مفسران، مقصود از رزق در این گونه آیات، اسباب رزق، و منظور از اسباب رزق، نزول باران (طوسی، ج ۹، ص ۳۸۵) یا اعم از خورشید، ماه، ستارگان و اختلاف شب و روز و پیدایش چهار فصل است. در آیه دیگر می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَ إِنْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ ذَلِكَ»
آورده، به تقوا گراییده بودند، به طور قطع برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم».

(اعراف / ۷، ۹۶) به گفته برخی، مقصود از «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ...» در آیه (ذاریات / ۵۱، ۲۲) این است که رزق و روزی شما در آسمان اندازه گیری می شود تا این که رزق و روزی شما در لوح محفوظ موجود در آسمان نوشته شده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۲۰۸)

این احتمال نیز وجود دارد که منظور از آسمان، عالم غیب باشد و مقصود از رزق، هر آن چه انسان از آن بهره می برد، اعم از خوردنی، نوشیدنی، لباس، مسکن، فرزند، علم، نیرو، و مانند آن که تمام این موارد از عالم غیب و از نود خداوند نازل می شوند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۷۵)

حکمت وسعت یا محدودیت روزی

در آیه ۱۲ سوره مبارکه ی شورا بیان شده است که کلید آسمانها و زمین به ید قدرت خداوند است؛ یعنی درهای خیرات چه از انواع و اقسام فیوضات باشد که از آسمان به زمین فرود می آید؛ از آفتاب و حرارت و غیر آن و چه آن فیوضاتی که از زمین بیرون می آید؛ از انواع و اقسام گیاهها و میوه جات و گل و ریاحین همه تحت اراده و اختیار او است و نعمت و برکت را برای هر کس بخواهد زیاد می کند و وسیع می گرداند و برای کسی که بخواهد تنگ می گیرد. (امین، ج ۱۱، ص ۲۳۴ و ۲۳۵)

درباره عبارت «يَبْسِطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ» در این آیه باید چند نکته را مد نظر قرار داد:

- ۱- مسأله روزی یکی از عوامل امتحان انسان است. نه وسعت روزی دلیل محبت خدا بر بنده است. و نه تنگی معیشت به معنی خشم خداست، بلکه همه ی این ها برای رشد و تربیت انسان است.
- ۲- مقدرات روزی به این معنی نیست که تلاش و کوشش انسان در آن نقشی نداشته باشد. قرآن می گوید: خداوند مطابق سعی و تلاش انسان به او عطا می کند. بلکه هدف این است که انسان تلاش و علم خود را سبب روزی خود نداند و ما به روشنی می بینیم که گاهی نتیجه ی تلاش ها ضایع می شود و گاهی با تلاش کم، خیراتی سراغ انسان می آید تا آدمی بفهمد که در پشت عالم اسباب دست قدرت خدای مسبب السباب است.

بنابراین انسان مکلف است برای وسعت زندگی و رفاه خود و جامعه تمام سعی و تلاش و علم خود را به کار گیرد و دنبال صنعت و اختراع و کشف عوامل باز دارنده و جلو برنده ی حیات و زندگی برود.

۳- روزی را نباید در مواهب مادی از خوراک و مسکن و لباس خلاصه کرد، باید دانست بالاترین روزی ها روزی روحانی و معنوی است. تمام مضامین مناجات ها درخواست روزی عظیم معنوی است.

۴- عوامل ازدیاد روزی که در قرآن به صراحت بیان شده است: «و اگر مردم روی زمین ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، بدون تردید ما برکات آسمان ها و زمین را به رویشان می گشاییم» (اعراف/۷، ۹۶). گاه تنگی معیشت برای جلوگیری از طغیانگری انسان است که فرمود: «اگر خدا روزی را برای مردم وسعت دهد، راه ظلم و طغیان پیش می گیرند» (شوری/۴۲، ۲۷). (بهرام پور، ۱۳۹۱، ص ۴۸۴)

با توجه به نکات بیان شده خزاین رزق های سماوی که باران است و گنج های رزق های ارضی که نباتات است، در قبضه اقتدار خداوند است. *يُسْطُ الرِّزْقَ* گشاده می گرداند روزی را *لِمَنْ يَشَاءُ* برای هر که می خواهد بر طبق مصلحت و *يَقْدِرُ* و تنگ می سازد بر هر که اراده می کند بر طبق حکمت *إِنَّهُ* بدرستی که او سبحانه *بِكُلِّ شَيْءٍ* به هر چیزی از دقایق استحقاق قبض و بسط *عَلِيمٌ* داناست پس بر وجه استحقاق انزال ارزاق می نماید. (کاشانی، ج ۸، ص ۲۰۸)

خداوند در آیه ۶۳ زمر نیز با عبارت « *وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ* » بعد از ذکر «*لَهُ مَقَالِيدُ...*» کسانی که به آیات و نشانه ها و دلایل قدرت خدا از اوضاع آسمانها و زمین و گردش لیل و نهار و نیز بمعجزات پیامبران کافر گردیدند؛ یعنی در این ها نظر عبرت نمودند تا با آگاهی بمشاهدات عقلشان ایمان آوردند و پیرو پیامبران گردند و بمسعدت و فضیلت انسانی نائل گردند، چنین مردمانی زیان کارانند. اینان سرمایه عمر خود را تلف نموده اند و بالاخره جز حسرت و ندامت و عذاب اخروی چیزی عایدشان نخواهد گردید. (امین، ج ۱۱، ص: ۲۳۵)

راه های دست یابی به مقالید آسمان و زمین

همان طور که بیان شد؛ *لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ...* از باب مالکیت خدا بر عالم می گوید: کلید های آسمان ها و زمین از آن اوست و آیه ۶۳ زمر در ادامه این عبارت می فرماید: کسانی که به آیات خدا کاف شدند، زیانکارانند؛ زیرا آنها از کلید دار عالم هستی رو بر تافته اند، پس همه چیز را از دست خواهند داد

بنابر این کافران هرگز به مقالید دست نخواهند یافت. در مقابل کافران ایمان آورندگان به آیات خداوند هستند که قرآن آنها را متقین معرفی می کند و خدا آنان را از خزائن آسمان ها و زمین بهره مند می کند. در قرآن ویژگی متقین این گونه بیان شده است:

۱- آنان به غیب و آن چه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز بر پیامبران پیشین نازل شده ایمان می آورند. (بقره/۲، ۴۳)

۲- متقین از آن چه از سوی خداوند به آن ها روزی داده شده است (بقره/۲، ۳) چه در توانگری و چه در تنگ دستی انفاق می کنند. (آل عمران/۳، ۱۳۴)

۳- کسانی که برای گناهان خویش آمرزش می طلبند و بر خلاف هایی که کرده اند اصرار و پافشاری نمی کنند. (آل عمران/۳، ۱۳۵)

۴- کسانی که خشم خود را فرو می خورند و از مردم در می گذرند. (آل عمران/۳، ۱۳۴)

۵- در دنیا نیکی می کنند و آنان هم در دنیا و هم در آخرت متعینند. (نحل/۱۶، ۳۰)

۶- متقین در زمین خواهان برتری جویی، تکبر و فساد نیستند. (قصص/۲۸، ۸۳)

۷- امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در کار های خیر پیشتاز هستند. (آل عمران/۳، ۱۱۵)

۸- به عهد و پیمان خود با دیگران وفادار هستند. (آل عمران/۳، ۷۶) (توبه/۹، ۷۴)

نتیجه

کلید دار بودن خدا بر آسمان ها و زمین کنایه از حاکمیت مطلق خداوند به ظاهر و باطن و اندوخته های آن است. بنابراین هر چه می خواهید باید از او بخواهید و دفع هر شری را از او بطلبید. برای همین فرمود : خدا برای هر کس که بخواهد بسط روزی می دهد و برای هر کس بخواهد تنگ و محدود می کند . پس اگر خواهان گشایش برکات هستید؛ تقوا پیشه کنید و چشم نیاز تنها به خدا بدوزید که او به هر کاری عالم و آگاه است.

منابع

*قرآن کریم

- ۱- اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، تهران، دفتر نشر داد، چ اول، ۱۳۷۳ ه.ش.
- ۲- امین، نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، ج ۱۱، بی جا، چاپ اول، بی تا.
- ۳- بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع، ج ۶، تهران، کتابخانه صدر، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ه.ش.
- ۴- بهرام پور، ابوالفضل، تفسیر مبین، قم، آوای قرآن، چاپ سوم، ۱۳۹۱ ه.ش.
- ۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، لبنان، دار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
- ۶- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، لبنان، دارالکتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ه.ق.
- ۷- شیبانی، محمد حسین، نهج البیان عن کشف المعانی القرآن، ج ۴، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
- ۸- طباطبایی، محمد حسین، ترجمه المیزان، ج ۱۸، موسوی، محمد باقر، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ش.
- ۹- طوسی، محمد بن حسن، التبیان، لبنان، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.

۱۰- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ هـ ش.

۱۱- طبری، محمد بن حریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۴، لبنان، دار المعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ ق.

۱۲- قوطبی، جامع الاحکام القرآن، ج ۱۵، تهران، ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ هـ ش.

۱۳- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، قم، دار الکتاب، چاپ سوم، ۱۳۶۳ هـ ش.

۱۴- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقایق و بحر القرایب، ج ۱۱، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ هـ ش.

۱۵- کاشانی، فتح الله بن شکر الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۸، تهران، کتاب فروشی الاسلامیه، چاپ اول، بی تا.

۱۶- کاشانی، فتح الله بن شکر الله، زبدۃ التفاسیر، ج ۶، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ ق.

۱۷- مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، قم، بوستان کتاب، چاپ ، ۱۳۸۲ هـ ش.

۱۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۰، تهران، دار الکتاب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ هـ ش.

